

کمال تعجب!

عمران صلاحی

به انتخاب یاسار صلاحی

صلاحی، عمران، ۱۳۲۵ - ۱۳۸۵
کمال تمجیب / عمران صلاحی: به انتخاب یاشار صلاحی.
تهران: پوینده، ۱۳۸۶.

۲۱۹ ص

ISBN 964 - 95421 - 9 - 1

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.
صلاحی، عمران، ۱۳۲۵ - ۱۳۸۵. -- خاطرات. طنز فارسی --
قرن ۱۴. صلاحی، یاشار، ۱۳۵۷ - گردآورنده.
ک ۸۵ / ۲۲ / ۸۱۳۴ PIR / ۶۲ / ۷۸۷
۱۳۸۶

۱۰۴۲۵۷۹

کتابخانه ملی ایران

کمال تمجیب
عمران صلاحی
طرح روی جلد: اردشیر و ستمی
اجرا: غلامرضا هدایت نیا
حروف نگاری و صفحه آرایی: بختیاری
توبت چاپ: اول (۱۳۸۶)
ناظر چاپ: یوسف امیرکیان
چاپ: حیدری
لیتوگرافی: مردمک
تیراژ: ۲۰۰۰ جلد
حق چاپ و نشر برای نشر پوینده محفوظ است
شابک ۹۶۴ - ۹۵۴۲۱ - ۹ - ۱

نشانی: تهران / خ شریعتی / خ معلم / خ امجدی / منش / پلاک ۳۰
تلفن: ۸۸۴۰۵۳۳۱، ۸۸۴۵۳۸۴۰، ۸۸۴۴۱۱۴۳، دورنگار:
پست الکترونیکی: nasher.poyande@ayahoo.com

کتاب حاضر به چند دلیل در نوع خود منحصر به فرد است، اولین آن شخصیت راوی است که فردی شناخته شده، حرفه‌ای و بی‌غرض است. دوم مقطع زمانی روایت‌ها که در دوره گذر جامعه ایرانی از سنت به مدرنیته باشد که خود به تنهایی منشاء تحقیق و مطالعه خاص و ارزشمندیست. سوم طیف وسیع روشنفکران که عمران با آنها در طول نزدیک به پنجاه سال مراوده نزدیک داشت. زمانی که از ایشان می‌خواستم، خاطراتش را بنویسد بیشتر به دلیل آشنایی و بهره‌مندی جامعه از آنها بود ولی بعد از چاپ آنها در روزنامه آسیا متوجه موضوع بسیار مهم‌تری شدم و آن تبارشناسی روشنفکران ایرانی بود که از دل رفتارها و عکس‌العمل‌هایشان در قالب کنایه، تمسخر، تحسین، حسادت، متلک، تشویق و لب‌خند بیرون می‌آمدند و همین‌طور میزان دانش و نبوغ و بی‌سوادی آنان

مشخص می‌شد که حقیقت و چیستی ما را نشان می‌دهند. اما چیزی که خواننده آنها باید در نظر داشته باشد رعایت اصول اخلاقی و حفظ کرامت انسانی افراد از سوی نگارنده است و همین‌طور سانسور که مانع چاپ بسیاری از آنها شد. با در نظر گرفتن ناگفته‌هایش در می‌یابیم که او چقدر زندگی کرده و چگونه خود را وقف آرمان خصوصی کرده است. عمران صلاحی بسیاری چیزها را از دست داد تا خودش را به دست بیاورد. شخصیتی قابل مطالعه و تعمق و بسیار ارزشمند. هر چند زیاد عمر نکرد ولی بسیار زندگی کرد. گلایه‌هایش را یکی دو نفر بیشتر ندیده بودند. او اهل زندگی بود و برای همین زنده خواهد ماند و آثار بسیاری بعد از خودش نیز چاپ خواهد کرد.

با دلتنگی و حسرت

اردشیر رستمی

بهار ۸۶

یادداشت

«خاطرات کمال تعجب» نام ستونی در روزنامه آسیا بود که در آن عمران صلاحی خاطرات طنزآمیز خود را از دوستان اهل ادبیات با نام مستعار کمال تعجب می‌نوشت.

این ستون در خردادماه سال ۸۴ به پیشنهاد و با تشویق‌های نویسنده پیشکسوت حمید دهقان و دوست و هنرمند بزرگوار اردشیر رستمی و حمایت‌های روزنامه‌نگار حرفه‌ای و با سابقه ایرج جمشیدی در روزنامه آسیا پایه‌ریزی شد و تا آخر دی ماه همان سال که آخرین شماره روزنامه منتشر شد ادامه داشت.

عمران صلاحی به پستوانه چهل - پنجاه سال فعالیت مطبوعاتی، در هر شماره روزنامه چهار - پنج خط از خاطرات خود با

هنرمندان و دوستان اهل قلم را نقل کرد تا این قطعات کوتاه و طنزآمیز نشان‌دهنده تکه‌هایی از تاریخ ادبیات معاصر ایران باشند. این قطعات که اغلب در قالب خاطره نوشته شده‌اند، با نثر خاص او از یک خاطره‌نویسی معمولی خارج شده و به لطیفه‌هایی نزدیک می‌شوند که تاریخ مصرف ندارند و می‌توان همیشه از خواندن آن‌ها لذت برد.

وقتی از خود او پرسیدند که «چرا این قدر مطالبت تکه‌تکه است» گفت: «برای این که زندگی خودم تکه‌تکه است. همه جا پخش و پلا شده‌ام. باید یکی بیاید، با خاک انداز مرا جمع کند!» این نوشته‌ها همان حرف‌هایی است که از بابا می‌شنیدیم و تمامی هم نداشت و چه قدر دلمان می‌خواهد هنوز هم بشنویم. خاطرات بسیار دیگری هم بودند که به علت خارج از محدوده بودن قابل چاپ نبودند؛ این‌ها را احتمالاً خصوصی برای شما تعریف کرده است!

به هر حال این کتاب بخشی از خاطرات اوست که قابل ارائه در

محافل عمومی است! عمران صلاحی در همین مجموعه گفته است:

«می‌توان این خاطرات را به سه بخش تقسیم کرد:
دیده‌ها، شنیده‌ها و خوانده‌ها.

کمال تعجب خیلی از این افراد را از نزدیک دیده و شاهد
ماجرایها بوده است، بعضی از ماجراها را از این و آن شنیده و
بعضی‌ها را هم در کتاب‌ها و نشریات خوانده است.»
تمامی مطالب به ترتیب چاپ در روزنامه در این مجموعه آورده
شده‌اند ما خودمان این ترتیب را داده‌ایم!

یاشار صلاحی